

اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP)

مطالعه موردی: استان اردبیل

وکیل حیدری ساریان

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

هدف این پژوهش، اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی در استان اردبیل بود. روش پژوهش به شیوه میدانی اجرا شد و اطلاعات از طریق پرسشنامه از ۵۰ زن کارآفرین روستایی استان اردبیل به دست آمد. داده‌های به دست آمده با استفاده از تکنیک AHP (فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) و نرم افزار Expert Choice تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که از بین موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی موانع اجتماعی- فرهنگی در استان اردبیل، مؤثرترین موانع فرآروی کارآفرینی زنان روستایی بوده و موانع فردی، اقتصادی و روان‌شناختی در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. در نهایت با توجه به تحلیل نتایج، پیشنهادهای کاربردی ارائه شد.

واژگان کلیدی

کارآفرینی، زنان روستایی، توسعه روستایی، روش تحلیل سلسله مراتبی، استان اردبیل

مقدمه

مفاهیم، تعاریف و ابعاد توسعه روستایی نو، که اساس نظریه توسعه پایدار است، نشان از چرخشی اساسی در شیوه‌ها و الگوهای توسعه نسبت به گذشته دارد. بر این اساس، توسعه اقتصادی در کنار سایر ابعاد توسعه (اجتماعی، محیطی و نهادی) باید با تأکید بر توانایی‌ها، نوآوری‌ها و خلاقیت‌های مردم محلی، از طریق تقویت الگوهای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در جامعه روستایی انجام شود. در این راستا کارآفرینی روستایی یکی از مفاهیم جدید است. کارآفرینی از فعالیت‌هایی است می‌تواند برطرف کننده بسیاری از چالش‌های عمده (هم‌چون بیکاری، درآمد پایین، فقدان تنوع اقتصادی و جز آن) در مناطق روستایی باشد و در سایر جنبه‌های زندگی روستاییان نیز تأثیر مثبت نهاد (سبکبار و همکاران، ۱۳۸۹). در این میان، زنان، یکی از گروه‌های تأثیرگذار، در جامعه روستایی نقشی مهم دارند؛ به‌همین دلیل تقویت کارآفرینی زنان روستایی راهکاری مؤثر در راستای دو شاخص توسعه، یعنی افزایش اشتغال و کاهش بیکاری و... تلقی می‌شود (صابر، ۱۳۸۲). زنان روستایی کارآفرینی را به‌عنوان کار در مجاورت منزل خود تلقی می‌کنند که این نگرش، استقلال، فقدان وابستگی و کاهش نیاز شدید آن‌ها به حمایت‌های جامعه را موجب می‌شود (پاسبان، ۱۳۸۳: ۲۸۱). هم‌چنین امروزه تقویت کارآفرینی زنان روستایی به‌لحاظ معقولانه بودن، انسانی‌تر بودن و سازگارتر بودن با محیط‌زیست اهمیت اساسی دارد (بلاک^۱، ۲۰۰۳) درنهایت می‌توان گفت در این پژوهش تلاش می‌شود با شناسایی و اولویت‌بندی موانع موجود بر کارآفرینی زنان روستایی در استان اردبیل با استفاده از دیدگاه زنان کارآفرین، گامی اساسی و مؤثر در جهت توسعه مناطق روستایی استان برداشته شود. برای رفع این مشکل و شناسایی موانع کارآفرینی زنان روستایی از مدل AHP (فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) به‌دلیل توانایی بالای آن در حل مسائل پیچیده استفاده شد.

به عقیده بسیاری از اندیشمندان کارآفرینی موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن به شمار می‌رود (ویلیامز^۲، ۲۰۰۷: ۶۳۰-۶۲۳) یکی از راه‌های تجربه شده در جهان، در

1. Blake
2. Williams

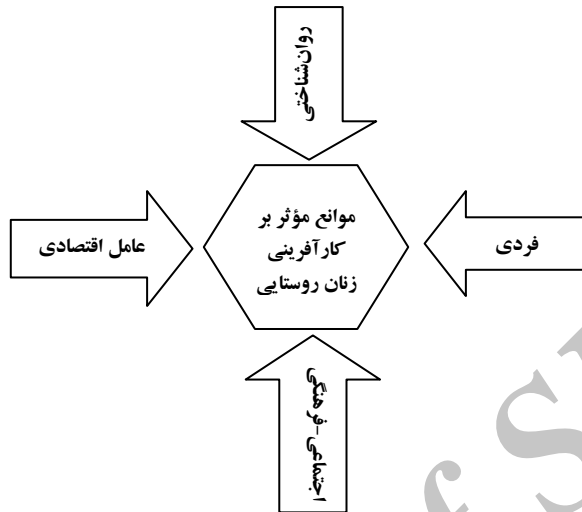


بازنگری سیاست‌ها، توجه به کارآفرینی است که از آن در متون توسعه به‌عنوان بازسازماندهی^۱ و بازآرایش^۲ ساختار اقتصاد روستا نام می‌برند (افتخاری و سجاسی، ۱۳۸۹). امروزه کارآفرینی روستایی راهکاری نو در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی روستاییان و ابزاری مهم در رسیدن به توسعه پایدار روستایی است (هلیگ، ۲۰۰۹). به باور آندرسون^۴ کارآفرینی وسیله‌ای مهم برای توسعه روستایی، افزایش و توسعه شغل‌ها و فعالیت‌های غیرکشاورزی و ابزاری برای بهبود معیشت زنان در نظر گرفته شده است (آندرسون، ۲۰۰۶). یافته‌های علمی گویای این واقعیت است که توسعه و رشد اقتصادی در مناطق روستایی محقق نمی‌شود مگر اینکه زنان روستایی در تمامی جهات و ابعاد توسعه مداخله مستقیم داشته باشند (گانسان^۵، ۲۰۰۶: ۳۲-۲۳). بر طبق مطالعات بانک جهانی، کارآفرینی به‌عنوان راهبردی جدید زمینه اشتغال مولد و دائم را برای زنان روستایی ایجاد می‌کند (ورد بلانک^۶، ۲۰۰۶) به باور فورتر، زنان کارآفرین روستایی دارای صفات و مشخصه‌های عمومی خاصی هستند که نقش آن‌ها را از بقیه متمایز می‌کند؛ از قبیل داشتن کانون کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، خلاقیت، ریسک‌پذیر بودن و تحمل ابهام (فورتر^۷، ۲۰۰۶). به‌زعم اسلام و بارول^۸ بین تجربه کاری، مدل‌های نقش، نارضایتی، تحصیلات، شایستگی (قابلیت) و کارآفرینی زنان روستایی رابطه معنادار وجود دارد (اسلام و بارول، ۲۰۰۹). هیبری^۹ بر این اعتقاد است که بین توسعه فردی زنان روستایی از طریق افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌ها، آزادی بیشتر، خلاقیت، خودشکوفایی، مسئولیت‌پذیری، بهزیستی مادی و تقویت کارآفرینی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (هیبری، ۱۹۸۲: ۱۰) پیش‌نیاز لازم برای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دربرگیرنده توسعه فرهنگ کارآفرینی، آموزش کارآفرینی و توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی است (کابالا^{۱۰}، ۲۰۰۸). برطبق

1. reorganizing
2. rearrangement
3. Heilig
4. Anderson
5. Ganesan
6. World Bank
7. Forter
8. Islam & Baharul
9. Hibri
10. Cabala

مطالعات بانک جهانی برای تحقق کارآفرینی زنان روستایی باید سهولت دسترسی زنان روستایی به سرمایه، تشدید حمایت‌های فنی و تخصصی از آن‌ها، بستر سازی فرهنگی و فرصت‌های ایجاد شبکه فراهم شود (ورد بلانک، ۲۰۰۲: ۶۸-۶۵). وندی و چونگ^۱ بر این اعتقاد هستند موانع عمده در سر راه زنان کارآفرین روستایی عبارت هستند از: طبقه اجتماعی، فضای حیاتی، پایین بودن آگاهی، کمبود تقاضا، دسترسی نداشتن به منابع، انزوای روستا، دسترسی نداشتن به دانش فنی، پایین بودن مهارت. (وندی و چونگ، ۲۰۰۷: ۴۶-۴۲). به باور دابسون^۲ امروزه موانع عمده کارآفرینی زنان روستایی در فقدان ظرفیت سازی، فقدان توانمندسازی و فقدان تسریع رشد از طریق تحرک‌بخشی نهفته است (دابسون، ۲۰۰۷) به باور الیس^۳ فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی از موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی است (الیس، ۲۰۰۳: ۵۶۶-۵۷۱). به زعم کرومیس^۴ نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازماندهی ضعیف کارآفرینان زنان روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات و میزان سواد، وجود تبعیض در بازار کار و وجود باورهای سنتی و کلیشه‌ای درباره زنان از موانع مؤثر در توسعه و تقویت کارآفرینی زنان در مناطق روستایی است (کرومیس، ۲۰۰۶: ۲۴۳-۲۴۶) استارچر^۵ دریافت که رفتارهای منفی برخی از مؤسسه‌ها و سازمان‌ها، گرایش پایین مردان در پذیرش زنان به عنوان همکار در تیم‌های کاری، تکنیکی و... از موانع عمده در کارآفرینی زنان روستایی محسوب می‌شود (استارچر، ۱۹۹۶). در نهایت چارچوب نظری پژوهش در شکل ۱ و موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی در جدول ۱ ارائه شده است.

-
1. Wendy & Chong
 2. Dabson
 3. Ellis
 4. Cromie
 5. Starcher



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش

معرفی مؤلفه‌های موانع مؤثر بر فقدان کار آفرینی زنان روستایی

به منظور پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش به مؤلفه‌های موانع مؤثر بر کار آفرینی زنان روستایی با عنایت به مبانی نظری پژوهش توجه شده است. و هم‌چنان که در مبانی نظری پژوهش ملاحظه می‌شود موانع مختلفی در کار آفرینی زنان روستایی مؤثر هستند و این عوامل در چهار گروه اصلی به ترتیب زیر تقسیم بندی شد:

الف) موانع فردی؛ ب) موانع اجتماعی- فرهنگی؛ ج) موانع روان‌شناختی؛ د) موانع اقتصادی اکنون در ادامه بحث هریک از موانع مذکور شرح داده می‌شود:

۱- موانع فردی

وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، سطح سواد و... موانع فردی مؤثر بر کار آفرینی زنان روستایی هستند، با توجه به اینکه بررسی یک به یک همه این موانع به طور مجزا از حوصله این بحث خارج است، لذا در این پژوهش دو عامل مهم‌تر بررسی شد.

۱-۱- وضعیت تأهل

۲-۱- میزان تحصیلات

۲- موانع اقتصادی

در کل مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر در کارآفرینی زنان در مناطق روستایی موارد زیر را شامل است:

فقدان دسترسی به سرمایه و منابع مالی، پایین بودن میزان درآمد، فقدان دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی به علت حمایت نکردن مؤسسه‌های مالی و مشکل تأمین مواد اولیه و... موانع اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی هستند، با توجه به اینکه بررسی یک به یک همه این موانع به طور مجزا از حوصله این بحث خارج است، لذا در این پژوهش دو عامل مهم‌تر بررسی شد. که عبارت هستند از:

۲-۱- فقدان دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی

۲-۲- پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی

۳- موانع روان‌شناختی

فقدان ریسک‌پذیری، نداشتن خودمختاری، پایین بودن میزان اعتماد به نفس زنان روستایی، نداشتن خلاقیت و غیره به دلیل شرایط محیطی حاکم بر جامعه و... موانع روان‌شناختی مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی هستند، با توجه به اینکه بررسی یک به یک همه این موانع به طور مجزا از حوصله این بحث خارج است، لذا در این پژوهش دو عامل مهم‌تر بررسی شد..

۳-۱- اعتماد: پایین بودن اعتماد به نفس زنان و پایین بودن خودباوری آنها

۳-۲- فقدان ریسک‌پذیری

۴- موانع اجتماعی - فرهنگی

حاکم بودن فرهنگ مردسالاری، گرایش پایین مردان در پذیرش زنان به‌عنوان همکار در تیم‌های کاری، داشتن باورهای کلیشه‌ای درباره زنان و تلقی مردان از زنان به‌عنوان یک موجود ضعیف و... موانع اجتماعی مؤثر در موضوع کارآفرینی زنان روستایی است. و با توجه به اینکه بررسی همه این عوامل جداگانه در حوصله این نوشتار نیست، در اینجا تنها دو مانع مهم‌تر بررسی شد.

۴-۱- حاکم بودن فرهنگ مرد سالاری در مناطق روستایی

۴-۲- باورهای کلیشه‌ای درباره زنان



مواد و روش‌ها

در این پژوهش سعی بر آن است با شناسایی و اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی در استان اردبیل با استفاده از دیدگاه پاسخگویان، گامی اساسی در جهت توسعه روستایی مناطق روستایی در استان اردبیل برداشته شود. به‌منظور رفع این مشکل و شناسایی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی از تکنیک AHP (فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) استفاده شد. این تکنیک برای سازماندهی اطلاعات و قضاوت‌ها و به‌کارگیری آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها بر اساس توانایی، احساسات و منطق مورد نظر، شیوه‌ای مناسب ارائه می‌دهد، پس از آن قضاوت‌ها در قالب نتیجه‌ای با هم ترکیب می‌شوند که با انتظارات درونی هم‌خوانی دارد. فرآیند فوق برای حل مسائل پیچیده به‌وسیله سلسله مراتبی از معیارها و نتایج و به‌وسیله استخراج قضاوت‌ها در جهت پیشبرد تقدم‌ها به ما کمک می‌کند (روستا و تیموری، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۵)

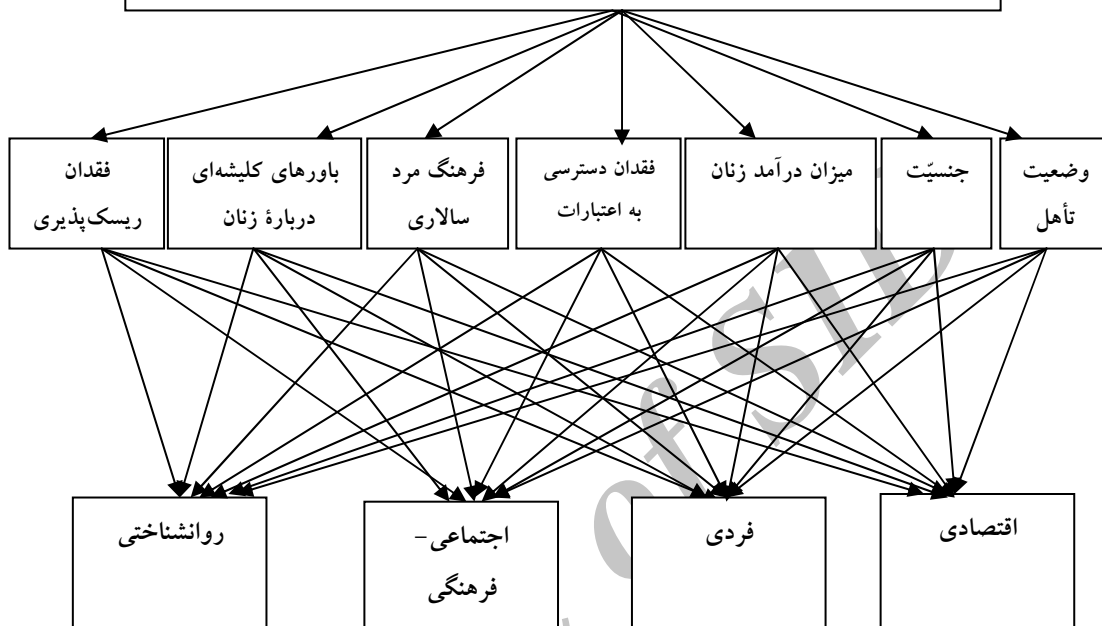
در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی به سئوال‌های پژوهش، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی، پرسشنامه بوده است و قلمرو مکانی این پژوهش استان اردبیل است. برای تعیین تعداد نمونه آماری، با استفاده از دستور برآورد حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، شماره آماری ۵۰ به‌دست آمد و بدین ترتیب تعداد ۵۰ پرسشنامه میان زنان کارآفرین روستایی توزیع شد. قبل از توزیع پرسشنامه به تعیین روایی و پایایی آن مبادرت شد. گفتنی است آزمونی دارای روایی است که برای اندازه‌گیری موضوع مورد نظر مناسب باشد. که پرسشنامه مذکور بر پایه موانع شناسایی شده در پیشینه پژوهش و دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان فراهم شده است. ویرایش نهایی پرسشنامه را چند تن از صاحب‌نظران تأیید کردند، بنابراین روایی پرسشنامه تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha > 0/89$) برآورد شد که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه است. افزون بر این همان‌طور که ذکر شد نظر به اینکه هدف پژوهش حاضر، اولویت‌بندی موانع مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی بود، لذا داده‌های جمع آماری شده از طریق پرسشنامه با استفاده از تکنیک AHP، روش تصمیم‌گیری گروهی در محیط‌های پیچیده، ارزیابی و پردازش شد، هم‌چنین تکنیک AHP روشی است منعطف، قوی، ساده که برای تصمیم‌گیری در وضعیتی استفاده می‌شود که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد،

انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌کند؛ ابتدا در سال ۱۹۸۰، توماس ال ساعتی^۱ این روش ارزیابی چند معیاری را پیشنهاد کرد و تاکنون کاربردهای مختلفی در علوم مختلف داشته است. (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۵-۳) در مرحله بعد اقدام به تهیه ساختار سلسله مراتبی به شرح زیر مبادرت شد.

سطح اول شامل هدف اصلی، اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی است. سطح دوم دربرگیرنده ملاک‌ها و معیارهای اساسی تأثیرگذار بر موانع کارآفرینی زنان روستایی مانند باورهای کلیشه‌ای درباره زنان، دسترسی نداشتن به اعتبارات، میزان تحصیلات و... است. سطح آخر شامل گزینه‌های مهم حاصل از دسته‌بندی معیارها در سطح دوم شامل موانع اجتماعی- فرهنگی، موانع روان‌شناختی، موانع محیطی و موانع اقتصادی است. در این پژوهش سعی شد اولویت‌بندی بین موانع مذکور انجام شود. تا به برنامه‌ریزان و متولیان مربوط در راستای رفع مشکل فوق‌الذکر مساعدت کند. بعد از تهیه ساختار سلسله مراتبی به تشکیل جدول مقایسه زوجی مبادرت شده است. در این ارتباط می‌توان گفت جدول مقایسه‌ای بر اساس ساختار سلسله مراتبی بالا تهیه می‌شوند، مقایسه زوجی با استفاده از مقیاسی انجام می‌شود که از ترجیح یکسان تا ارجحیت بی‌نهایت طراحی شده است. این مقیاس در جدول ۱ ارائه شده است. هم‌چنین بعد از تهیه درخت سلسله مراتبی پژوهش‌گر به محاسبه میانگین عددی مبادرت ورزید درباره محاسبه میانگین عددی می‌توان گفت پس از تکمیل پرسشنامه توسط زنان کارآفرین روستایی، با نظرات مختلفی برای هر یک از گزینه‌ها مواجه می‌شویم، برای رفع این معضل باید جدول مقایسه‌ای با هم ترکیب شوند در روش AHP می‌توان میانگین هندسی را به‌کار گرفت چون که پژوهشگران بی‌شماری از این میانگین برای ترکیب قضاوت‌ها در مدل AHP استفاده کرده‌اند.



اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کار آفرینی زنان روستایی



نمودار ۱: ساخت سلسله مراتبی اولویت‌بندی موانع کار آفرینی زنان روستایی

جدول ۱: مقایسه ۹ کمیتی ساعتی برای مقایسه زوجی (مقیاس مقایسه زوجی)

۱	ترجیح یکسان	هر دو گزینه اثر یکسانی بر هدف دارند
۳	کمی ارجحیت	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) اندک است.
۵	ارجحیت قوی	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) قوی است.
۷	ارجحیت بسیار قوی	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) بسیار قوی است.
۹	ارجحیت بی نهایت	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) در حداکثر مقدار ممکن قرار دارد.
۴، ۲، ۶، ۸	امتیازات میانی نشان‌دهنده حالت‌های میانی هر یک از حالات مقایسه‌ای فوق است.	

مأخذ: توکلی و همکاران، ۱۳۸۸

$$a_{ij} = \left(\prod_{k=1}^n a_{ij}^{(k)} \right)^{\frac{1}{n}}$$

رابطه (۱)

a_{ij} = میانگین هندسی معیار

a = معیاری که با گزینه‌ها مقایسه می‌شود

ij = دو گزینه که با هم مقایسه می‌شوند.

k = کد شخصی که به سؤال‌های پرسشنامه پاسخ داده است.

n = تعداد افرادی که گزینه‌ها را با معیارها مقایسه کرده‌اند.

علاوه بر این پس از تهیه درخت سلسله مراتبی به محاسبه وزن نسبی معیارها و گزینه‌ها اقدام شد روش کار به این صورت است که پس از تهیه درخت سلسله مراتبی و محاسبه میانگین هندسی، به منظور اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی، عملیات ریاضی در محیط نرم افزاری Expert Choice تعقیب شد. نخست معیارها با توجه به هدف، مقایسه زوجی شد و وزن نسبی هر معیار با توجه به هدف برآورد شد، در مرحله بعد، گزینه‌ها با توجه به معیارها مقایسه زوجی و وزن نسبی هر گزینه محاسبه شد. پس از این مرحله هم به بهبود ناسازگاری تصمیم مبادرت شد؛ زیرا روشی که ساعتی برای بررسی سازگاری در قضاوت‌ها در نظر گرفته، محاسبه ضریبی به نام ضریب ناسازگاری است، که از تقسیم شاخص ناسازگاری بر (II) بر شاخص تصادفی بودن (RI) به دست می‌آید، چنانچه این ضریب کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ باشد، سازگاری در قضاوت‌ها مقبول است، و گرنه باید در قضاوت‌ها تجدید نظر شود. در نهایت برای محاسبه وزن نهایی هر گزینه، عمل تلفیق انجام می‌شود و در نهایت پاسخ نهایی مسأله به نمایش در می‌آید.

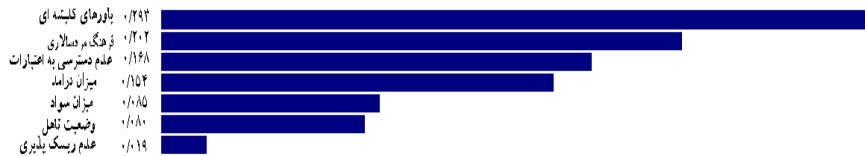
یافته‌های پژوهش

الف) مقایسه معیارها

در مرحله اول معیارها به صورت زوجی، نسبت به هدف مطالعه (اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی) مقایسه می‌شوند.



طبق شکل ۲ که نشان‌دهنده مقایسه زوجی معیارها با توجه به هدف پژوهش است، معیار باورهای کلیشه‌ای با نسبت ۰/۲۹۳ و معیار فقدان ریسک‌پذیری با نسبت ۰/۰۱۹ بیشترین و کمترین اولویت را دارند. نرخ سازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۸ بوده، بنابراین سازگاری معیارها با هدف پژوهش مقبول است.



نرخ ناسازگاری: ۰/۰۸

شکل ۲: مقایسه معیارها به صورت زوجی نسبت به هدف پژوهش

ب) مقایسه زوجی گزینه‌ها

در مرحله دوم گزینه‌ها با توجه به معیارها مقایسه زوجی می‌شوند.

شکل ۳ نشان‌دهنده وزن گزینه‌ها با توجه به معیار حاکم بودن فرهنگ مردسالاری است، طبق این شکل عامل اجتماعی - فرهنگی با نسبت ۰/۴۸۰ عامل اقتصادی با نسبت ۰/۰۶۲ به ترتیب بیشترین و کمترین سهم را دارند، نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۱ است. بنابراین سازگاری معیار فرهنگ مردسالاری با گزینه‌ها مقبول است.

شکل ۴ - نشان‌دهنده وزن گزینه‌ها با توجه به معیار باورهای کلیشه‌ای است، طبق این شکل عامل اجتماعی - فرهنگی با نسبت ۰/۵۹۰ و عامل اقتصادی با نسبت ۰/۰۶۲ به ترتیب بیشترین و کمترین اولویت را دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر ۰/۰۱ است. نرخ ناسازگاری معیار باورهای کلیشه‌ای با گزینه‌ها مقبول است.

شکل ۵ - نشان‌دهنده وزن گزینه‌ها با توجه به معیار میزان درآمد است، طبق این شکل عامل اقتصادی با نسبت ۰/۵۸۹ و عامل روان‌شناختی با نسبت ۰/۰۷۲ به ترتیب بیشترین و کمترین اولویت را دارند، نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر ۰/۰۱ است. بنابراین سازگاری معیار میزان درآمد با گزینه‌ها مقبول است.

شکل ۶ - مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار میزان دسترسی به اعتبارات

در شکل ۶، نتیجه حاصل از مقایسه گزینه با یکدیگر نسبت به معیار میزان دسترسی به اعتبارات نشان داده شده است، بر اساس شکل فوق عامل اقتصادی با نسبت ۰/۶۵۷ از بیشترین اولویت و عامل اجتماعی-فرهنگی با نسبت ۰/۰۵۵ از کمترین اولویت برخوردار است. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۴ است بنابراین این سازگاری معیار میزان دسترسی به اعتبارات با گزینه‌ها قابل قبول است.

همانطوری که شکل ۷ نشان می‌دهد نتایج و بررسی مقایسه گزینه‌ها با توجه به معیار وضعیت تاهل نشان‌دهنده این است که عامل فردی با نسبت ۰/۵۵۶ از بیشترین اولویت و عامل اقتصادی با نسبت ۰/۱۱۳ از کمترین اولویت برخوردار است. نرخ ناسازگاری به دست آمده برابر با ۰/۰۳ بوده، در نتیجه سازگاری معیار وضعیت تاهل با گزینه‌ها قابل قبول می‌باشد.



نرخ ناسازگاری: ۰/۰۱

شکل ۳: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار حاکم بودن فرهنگ مردسالاری



نرخ ناسازگاری: ۰/۰۱

شکل ۴: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار باورهای کلیشه ای



نرخ ناسازگاری: ۰/۰۱

شکل ۵: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار میزان درآمد



نرخ ناسازگاری: ۴۰٪

شکل ۶: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار میزان دسترسی به اعتبارات



نرخ ناسازگاری: ۳۰٪

شکل ۷: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار وضعیت تاهل



نرخ ناسازگاری: ۵۰٪

شکل ۸: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار میزان سواد



نرخ ناسازگاری: ۴۰٪

شکل ۹: مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار ریسک‌پذیری

تلفیق گزینه‌ها و معیارها با توجه به هدف

شاخص ناسازگاری نهایی=۰/۰۶



شکل ۱۰: وزن نهایی گزینه‌ها

همان‌طور که شکل ۸ نشان می‌دهد نتیجه حاصل از مقایسه گزینه‌ها با یکدیگر نسبت به

معیار میزان سواد گواه این مطلب است که عامل فردی با نسبت $0/622$ از بیشترین اولویت و عامل روانشناختی با نسبت $0/062$ از کمترین اولویت برخوردار است. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با $0/05$ است. بنابراین، سازگاری معیار سواد با گزینه‌ها مقبول است. در شکل ۹ نتیجه مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار ریسک‌پذیری نشان داده شده است، طبق این شکل عامل روانشناختی با نسبت $0/477$ و عامل اقتصادی با نسبت $0/054$ به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین اولویت قرار دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با $0/04$ بوده، در نتیجه سازگاری معیار فقدان ریسک‌پذیری با گزینه‌ها مقبول است.

ج) تلفیق

همان‌طور که شکل ۱۰ نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تلفیق گزینه‌ها و معیارها با توجه به هدف پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که از بین موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان روستایی، عامل اجتماعی-فرهنگی بازدارنده‌ترین عامل بود و در مقابل عامل روانشناختی کمترین اهمیت دارد. در نهایت می‌توان گفت که موانع عمده در کارآفرینی زنان روستایی به ترتیب عبارت هستند از اجتماعی-فرهنگی، فردی، اقتصادی و روانشناختی.

بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی، تقویت کارآفرینی زنان روستایی ابزاری برای ارتقاء بهره‌وری، افزایش تولید، اشتغال‌زایی، کاهش بیکاری، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، گسترش بازار، استفاده بهینه از منابع موجود در لکه حیات، پایداری مکان‌های زندگی روستایی، بهبود کیفیت زندگی، افزایش درآمد، بهره‌برداری مناسب از منابع، ارتقاء مشارکت، شناسایی فرصت‌های اقتصادی، کاهش فقر، تولید ثروت، فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی، پیشگیری از آشفتگی روستا، دستیابی به کالا و خدمات، افزایش ارزش کار، توزیع مناسب درآمد، تقویت پایه‌های منطقه‌ای و ملی و غیره است. لذا برای تقویت هر چه بیشتر کارآفرینی زنان روستایی و به دنبال آن توسعه مناطق روستایی مطالعه موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی اهمیت بیشتری دارد.

همان‌طور که بحث شد در این مقاله از اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی بحث شد. نتایج حاصل از تلفیق گزینه‌ها و معیارها با توجه به هدف نشان داد موانع عمده در



کارآفرینی زنان روستایی در این پژوهش به ترتیب موانع اجتماعی-فرهنگی، فردی، اقتصادی و روان‌شناختی بود. یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی و مشاهده‌های عینی به‌خوبی با واقعیت‌های موجود سکونت‌گاه‌های روستایی منطبق هستند. بدین ترتیب می‌توان از شاخص‌ها و گویه‌های طراحی شده به‌عنوان الگویی برای سایر مناطق روستایی کشور به‌منظور اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی با رویکرد شاخص‌های کیفی استفاده کرد. و هم‌چنین با توجه به تبیین بیشترین واریانس موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی توسط عوامل اجتماعی-فرهنگی برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی، خدمات مشاوره‌ای برای زنان روستایی برای ارتقاء دانش، مهارت و نگرش و در یک کلام توانمندسازی آن‌ها به‌منظور ارتقاء آگاهی آن‌ها از نیازها، اولویت‌ها، تنگناها و فرصت‌ها و آشنایی با تجربه‌های افراد کارآفرین و روش‌های خلاقیت و نوآوری برای تقویت فعالیت کارآفرینی در مناطق روستایی امری ضروری و حتمی است. در این ارتباط می‌توان گفت در مسیر شخصی و حرفه‌ای زنان کارآفرین روستایی، تحصیل دانش فرآیند پایان‌ناپذیری است که باید همواره به آن توجه شود. و فرآیند کسب دانش همان‌طور که ذکر شد از طریق برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی انجام می‌شود که در این اوضاع بستر برای زنان روستایی برای بروز خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری، فرصت‌سازی، بالا بردن مهارت‌های کاربردی، افزایش مشارکت زنان روستایی و آشنایی زنان روستایی با نهادهای خودیار محلی برای رفع موانع اجتماعی-فرهنگی عرصه کارآفرینی گام‌های مؤثری از طریق برنامه‌های ترویجی، مسئولان و متولیان توسعه روستایی برداشته شود. همچنین باید مسئولان و متولیان امر توسعه روستایی دختران روستایی را با فعالیت‌های کارآفرینانه از دوران دبیرستان آشنا کنند هم‌چنین از طرف نهادهای فرهنگی همانند صدا و سیما و تشویق خانواده‌ها به توجه بیشتر به ادامه تحصیل دختران فرهنگ‌سازی شود افزون بر این با توجه به مشکل تأمین اعتبار برای زنان روستایی پیشنهاد می‌شود که دولت منابع مالی ویژه‌ای را به بانک‌ها تخصیص دهد تا از محل آن اعتبارات صرفاً به زنان روستایی که قصد سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف را دارند وام داده شود و این منابع صرفاً در اختیار زنان روستایی قرار گیرد در نهایت دولت باید شکل‌های متفاوت پاداش از جمله پاداش‌های درونی برای پاسخگویی به نیازهای روانی کشاورزان نظیر احساس لیاقت و شایستگی، احساس تعلق خاطر، احساس احترام، احساس آزادی، احترام و پیشرفت در کنار پاداش‌های مادی را در نظر داشته باشد.

منابع

- پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۳). نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، معاونت صنایع و وزارت جهاد کشاورزی.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سجاسی قیداری، حمدالله، (۱۳۸۹). توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، تهران: سمت.
- روستا، کوروش، و تیموری، مصطفی، (۱۳۸۸). اولویت بندی عوامل بازدارنده اجرای طرح‌های یکپارچه سازی اراضی در استان خراسان جنوبی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی، سال ۴۰ شماره (۲): ۱۴۵-۱۴۶.
- صابر، فیروزه، (۱۳۸۱). راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- فاضل نیا، غریب؛ کیانی، اکبر و رستگار موسی، (۱۳۸۹). مکان‌یابی بهینه فضاهای ورزشی شهر زنجان با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول: ۳-۵.
- Anderson, E, (2006). *New fundamental in planning for local economic development: entrepreneurial communities*. Georgia Institute of Technology City and Regional Local Economic Development, New York: Free Press.
- Battershil, M, (2003). Socio-economic constraint and environmentally friendly farming in the Southwest of England, *Journal of Rural Studies*, (14):213-220.
- Blake, R, (2003). Regional and rural development strategies in Canada, the Search for Solutions, Available at (www.carleton.ca.)
- Cabala, L, (2008). *Design rural entrepreneurship in practice, COTF System for Community Transformation*. New York: Guilford Press.
- Cronies, S, (2006). Understanding enterprise, entrepreneurship and small business, *Macmillan, Basingstoke*, (5): 243-246.
- Dabson, B, (2006). *Mapping rural entrepreneurship*, Washington, D.C. Crop. For Enterprise Development.
- Dhameja SK, (2009). *Women and rural entrepreneurship*. Chandigarh: Abhishek Publications, pp 65-72.
- Ellis, F, (2003). Livelihoods and rural poverty reduction in Kenya, *Development Policy Review*, (13):566-571.



- Forter, L.M., (2006). *Entrepreneurs and Their Social Network: Motivation, Expectations and Outcomes*. PhD Dissertation.
- Ganesan, S., (2006). *Status of women entrepreneurs in India*, New Delhi: Kanishka Publications.
- Hibri A., (1999). *Women and Islam*, London: Paragon Press, (3): 23-32.
- Heilig, J., (2009). *European rural development, Luxemburg: International Institute for Applied System Analysis*, Australia.
- Islam, K. & Bahaurul, M., (2009). Rural entrepreneurship for women, Academy of Management.
- Kelin, P. Foss, N., (2009). The Entrepreneurial organization of heterogeneous capital, *Journal of Management Studies*, (2): 54-56.
- Kula, E., (2008). "Mozambique rural financial services study", *Washington, D.*, (10): 223-230
- Report, (2007). Geneva: World Economic Forum.
- Starcher, D. C., (1996). 'Women entrepreneurs: catalysts for transformation'. Available at: (www.ebbf.org/woman.htm).
- Wendy T & Chong, S., (2007). 'Theorizing a framework of factors influencing performance of women entrepreneurs in Malaysia' *Asia Entrepreneurship and Sustainability*, (5): 42-46.
- Williams, C., (2007). Socio-spatial variations in the nature of entrepreneurship, *Journal of Enterprising Communities, People and Places in the Global Economy*, (11): 28-32.
- World Bank, (2002). Reading the rural poor: UN Updated Strategy for Rural Development, *Washington D.C.*, (1): 65-68.
- World Bank, (2006). Reaching the rural poor, the rural development strategy of the World Bank.

Archive of SID

نویسندگان

Vheidari56@gmail.com

وکیل حیدری ساریان

کارشناسی جغرافیای طبیعی از دانشگاه تبریز در سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۷۶
کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های
۱۳۷۹ - ۱۳۸۱ و کسب رتبه اول مقطع کارشناسی ارشد.
دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه تربیت مدرس در سال‌های ۱۳۸۳ -
۱۳۸۸ و کسب رتبه اول مقطع دکتری.
چاپ ۵ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات؛ توسعه روستایی، پژوهش‌های جغرافیای
انسانی (۲ مقاله)، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی.
اخذ تأییدیه چاپ از مجلات علمی و پژوهشی؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیا، فصلنامه
جغرافیا و برنامه‌ریزی، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، فصلنامه فضای جغرافیایی،
فصلنامه انجمن علوم جغرافیا، مجله جغرافیای انسانی، مجله پژوهش‌های روستایی، مجله
روستا و توسعه و فصلنامه آمایش سرزمین.
فارغ التحصیل دانشگاه تربیت مدرس و.
عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه محقق اردبیلی از سال ۱۳۸۸ تا امروز و مدرس در
مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری گروه جغرافیای دانشگاه محقق اردبیلی.
علاقمندی‌های پژوهشی: توانمندسازی کشاورزان و روستاییان، سرمایه اجتماعی،
تعاونی‌های تولید روستایی و گردشگری روستایی.